

بررسی تأثیر ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی بر رفتارهای

یاری رسان با توجه به نقش میانجی گرهوش اجتماعی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۷

حسین زاراع^{۱*}، سارا قربانی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: نועدوستی یک ویژگی مهم و کاربردی مخصوصاً در مواقعی است که بلایای طبیعی به وقوع می‌پیوندد. این پژوهش با هدف تعیین ارائه مدل پیش‌بینی رفتارهای یاری‌رسان بر اساس متغیرهای ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با توجه به متغیر میانجی هوش اجتماعی انجام شد.

روش: طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه‌ی افراد کمک رسان در سیل سال ۱۳۹۸ خوزستان بود. به منظور تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران بر مبنای جامعه غیر تعریف شده استفاده شد و ۳۸۷ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه-ای انتخاب شدند. براین مبنای شهر خوزستان به ۵ منطقه جغرافیایی شامل شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. سپس از هر منطقه یک منطقه سیل زده به صورت تصادفی انتخاب شدند و در هر منطقه، دو کمپ اسکان سیل‌زدگان انتخاب و به آن مراجعه شد و به صورت تصادفی آزمودنی‌های غیر آسیب دیده که به منظور کمک رسانی به این مراکز مراجعه نموده‌اند، انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های رفتار یاری‌رسانی درخشنده نیا و نوری (۱۳۸۴)، ادراک خطر بین‌تین (1993)، خودکارآمدی شرر (۱۹۸۲)، حل مسئله اجتماعی دزوریلا و همکاران (۲۰۰۲) و هوش اجتماعی ترمسو (۲۰۰۱) بود.

یافته‌ها: نتایج حاصل از ضرایب غیر مستقیم در تحلیل مسیر نشان داد که هوش اجتماعی -نمی‌تواند نقش میانجی‌گر را در رابطه بین سه متغیر ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با رفتارهای یاری‌رسانی ایفا نماید ($P > 0/05$) و تنها ضرایب مستقیم ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با رفتارهای یاری‌رسانی مورد تأیید قرار گرفت ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت نقش رفتارهای یاری‌رسان پرداختن به عوامل تأثیرگذار بر این رفتارها بسیار مهم و حیاتی است.

کلمات کلیدی: رفتار یاری‌رسان، ادراک خطر، خودکارآمدی، حل مسئله اجتماعی، هوش اجتماعی

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان ارائه مدل پیش‌بینی رفتارهای یاری‌رسان بر اساس متغیرهای ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با توجه به متغیرهای میانجی مسئولیت‌پذیری و هوش اجتماعی می‌باشد.

۱. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

*نویسنده مسول h_zare@pnu.ac.ir

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Investigating the effect of risk perception, self-efficacy and social problem solving on helpful behaviors according to the mediating role of social intelligence

Hosein Zare^{1*}, Sara Ghorbani²

Original Article

Abstract

Introduction: Altruism is an important and practical feature, especially in cases of natural disasters. This study aimed to determine the model for predicting supportive behaviors based on the variables of risk perception, self-efficacy, and social problem solving concerning the mediating variable of social intelligence.

Method: The design of the present study was a descriptive-correlational study and the statistical population of the study included all contributors in the flood of 1398 in Khuzestan. To determine the sample size, Cochran's formula based on an undefined population was used and 387 people were selected by cluster sampling. Based on this, the city of Khuzestan was divided into 5 geographical regions including north, south, east, west, and center. Then, a flooded area was randomly selected from each area, and in each area, two flood camps were selected and referred to it, and non-damaged subjects who had referred to these centers to help were randomly selected. Data collection tools included the Derakhshandeh Nia and Nouri Helping Behavior Questionnaire (2005), Bean Perception (1993), Scherer Self-Efficacy (1982), Dezorella et al.'s (2002) Social Problem Solving, and Tremso (2001) Social Intelligence. To test the research hypotheses, the statistical method of path analysis was used with the help of SPSS and AMOS software version 22.

Results: The results of indirect coefficients in path analysis showed that social intelligence cannot play a mediating role in the relationship between the three variables of risk perception, self-efficacy, and social problem solving with helping behaviors, and only direct risk perception coefficients are self-efficacy. And social problem solving with supportive behaviors was approved.

Conclusion: Considering the importance of the role of helpful behaviors, addressing the factors affecting these behaviors is very important and vital

Keywords: Helping Behavior, Risk Perception, Self-Efficacy, Social Problem Solving, social intelligence

1. Professor, Department of Psychology, University of Payam Noor, Tehran, Iran

* Corresponding Author: h_zare@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Payam Noor, Tehran, Iran

مقدمه

بالایای طبیعی نوعی از حوادثند که در اثر پدیده‌های طبیعی یا فعالیت‌های انسانی ایجاد می‌شوند و می‌توانند آسیب‌های اقتصادی، از بین رفتن نیروی انسانی و اختلالات روان‌شناختی قابل توجهی مثل استرس پس از سانحه، سوگ‌های حل نشده و غیره ایجاد نمایند. تصمیمات مربوط به کمک رسانی در یک بالای طبیعی باید خیلی زود انجام پذیرد. یکی از مهم‌ترین این تصمیمات وجود رفتارهای یاری رسان به مردم مناطق مختلف درگیر در بالای طبیعی است. در ایران در هنگام وقوع یک بالای طبیعی وجود این رفتارهای هم از جانب دولت و هم با مشارکت مردم صورت می‌گیرد (معینیان، رحیمی، احمدی و پیوندی، ۱۳۹۸). مردمی که نوعدوستی و ایثارگری دارند، در مواقع بروز حوادث طبیعی نقش مهمی در کمک به مردم مناطق آسیب دیده ایفا می‌کنند. در نوعدوستی فرد لزوماً به دنبال کسب منافع نیست، هرچند که بدست آوردن این منافع امکان پذیر است (سیپوسوا^۱، گرونیسن^۲، هلمینگ^۳، توماسلو^۴ و کارپنتر^۵، ۲۰۲۱). یاری رسانی یکی از انواع رفتارهای مطلوب اجتماعی است که انگیزه‌های نوع دوستانه و کمک به دیگران در آن بسیار قوی است (سجادی نژاد و کهن، ۱۳۹۰). با آموزش رفتارهای یاری رسان از کودکی می‌توان به افراد کمک کرد تا در موقعیت‌های اضطراری بهترین انتخاب را داشته باشند. این آموزش‌ها باعث می‌شود وقتی ما دیگران را درمانده و نیازمند می‌بینیم بخشی از وجودمان با آنها همدلی کند (سیپوسوا و همکاران، ۲۰۲۱). در شرایط بحرانی مثل وقوع سیل و زلزله این احساس همدلی در ما بیشتر شده و سعی می‌کنیم رفتارهای هم‌نوع خواهانه‌ای از خود نشان دهیم. کمک به هم‌نوع می‌تواند تحت تاثیر عواملی مثل مسولیت پذیری، هوش اجتماعی و حل مساله اجتماعی باشد. افراد مسولیت پذیر قادرند وظایفی را که به عهده شان قرار می‌دهند، به درستی ایفا کنند. آنها خود را مسئول بهبود اوضاع و شرایط می‌دانند (بیرهوف، ترجمه صدقی نژاد، ۱۳۹۲). سجادیان و رضایی (۱۳۹۴) بیان کردند افراد یاری رسان در خیراندیشی و نیک خواهی، رعایت قوانین و مقررات اخلاقی، مسؤلیت فردی و اجتماعی توجه نسبت به عدالت، کنترل درونی خود، توجه به مراقبت از خود و نیز سخاوت و بزرگواری در مقایسه با دیگران امتیاز بیشتری کسب کردند. همچنین، افراد یاری رسان در مقابله با یک گروه کنترل متشکل از کسانی که بالقوه یاری دهنده نبودند، در معیارهای مسؤلیت اجتماعی و همدلی عاطفی، کنترل درونی و نگرش به عدالت نمره‌ی بیشتری به دست آوردند. موقعیت‌های پرخطر از عوامل مهم تاثیر گذار بر رفتارهای یاری رسان است. ادارک خطر بر قضاوت شناختی و رفتارهای تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد (ژا^۶ و وانگ^۷، ۲۰۱۵). در

1. Siposova
2. Grueneisen
3. Helming
4. Tomasello
5. Carpenter
6. Xia
7. Wang

مقایسه با موقعیت‌های عادی رفتار فرد در موقعیت‌هایی که از لحاظ روانی و رفتاری بر انگیزته می‌شود، خیلی متفاوت است. مثلاً در موقعیت‌های پر استرس که ادراک خطر نشان دهنده احتمال آسیب برای خود فرد زیاد است، احتمال انجام رفتارهای یاری رسان تحت تاثیر قرار می‌گیرد (فیشر^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). شن تو^۲، ما^۳ و گو^۴ (۲۰۱۸) بیان کردند در موقعیت‌هایی که احتمال خطر زیاد برآورده می‌شود احتمال رفتارهای یاری رسان کمتر از موقعیت‌هایی است که احتمال خطر کمتر برآورده می‌شود. البته لرنر (۲۰۱۱) بیان کرد عواملی مثل موقعیت محیطی که فرد در آن قرار دارد نیز مانند عوامل درونی در این رفتارهای نقش دارد.

از سوی دیگر یکی از مهارت‌های بسیار مهم در به دست آوردن رفتار یاری رسان، احساس توانایی و مهارت در انجام خدمات نودوستانه است (بهوروز، ۱۳۹۶). همه افراد در مسیر زندگی با رویدادهای بحرانی یا حتی حوادث طبیعی برخورد کنند. همه آنها ممکن است تشخیص بدهند که یک موقعیت بحرانی است و حتی علاقه به یاری دادن داشته باشند اما آنچه مهم است، باور آنها به داشتن احساس توانمندی در مواجهه با این موقعیت هاست. نوع برخورد انسان‌ها با این موانع و مشکلات به ویژگی‌های شخصیتی آنها مثل خودکارآمدی باز می‌گردد. باورها، دنیای افراد را سازمان می‌دهد و به تجربیاتشان معنا می‌دهند. بندورا معتقد است خودکارآمدی عاملی مهم در احساس کفایت و شایستگی انسان است. انجام وظایف از سوی افراد مختلف با مهارت‌های مشابه در موقعیت‌های گوناگون به صورت ضعیف، متوسط و یا قوی یا توسط یک فرد در شرایط متفاوت به باورهای خودکارآمدی آنان بستگی دارد (دولان^۵، مارتین^۶ و روهسنو^۷، ۲۰۰۸). به همین دلیل احساس خودکارآمدی، افراد را یاری می‌دهد تا با استفاده از مهارت‌های لازم، در برخورد با موانع، عملکرد مطلوبی داشته باشند. عملکرد موثر هم به داشتن مهارت‌ها و هم به باور در توانایی انجام مهارت‌ها نیازمند است. (سیف، ۱۳۹۸) از دیدگاه شناختی باورها نقش تعیین کننده‌ای در خودکارآمدی فرد دارند. به همین دلیل باورهای کارآمدی در آسیب‌شناسی روانی و اجتماعی نقش مهمی دارد. هرچقدر فرد در زندگی خود موفقیت بیشتری کسب کند، خودکارآمدی او افزایش می‌یابد و هرچقدر شکست بیشتری تجربه کند، خودکارآمدی او کاهش می‌یابد (لوو و چویی^۸، ۲۰۱۳).

هوش اجتماعی از چندین مولفه شناختی، هیجانی و رفتاری تشکیل شده است که بر احساس توانمندی فرد در عملکرد موثر در موقعیت‌های اجتماعی اثر گذار است. هوش اجتماعی توانایی

1. Fischer
2. Shentu
3. Ma
4. Gou
5. Dolan
6. Martin
7. Rohsenow
8. Loo & Choy

استفاده از مهارت‌های اجتماعی در اجرای تکالیف اجتماعی یا فهم فرد از نقش خودش در روابط با دیگران است. در واقع هوش اجتماعی یعنی شناخت درست و آگاهی از موقعیت‌های اجتماعی، مدیریت هیجان در این موقعیت‌ها و تنظیم رفتار مناسب با آن موقعیت است (لفتین^۱ و باری^۲، ۲۰۱۶). هوش اجتماعی شامل آگاهی از رفتارهای مناسب در یک موقعیت استرس‌زا و از سوی دیگر توانایی فرد برای انتخاب رفتارهای مناسب برای رویارویی با آن موقعیت و غافل‌گیر نشدن برای رفتار مناسب در موقعیت‌های اجتماعی است (دلیس^۳، نوواک^۴، کواک^۵ و اوسه^۶، ۲۰۱۱).

افراد با هوش اجتماعی بالا توانایی به کارگیری مهارت‌های ارتباطی با دیگران و همدلی با آنها را دارند. هرچه فردی هوش اجتماعی بیشتری داشته باشد، احساس خودکارآمدی بیشتری دارد (رضایی و خلیل‌زاده، ۱۳۸۸). افراد با هوش اجتماعی قادر به تولید رفتارهای کافی برای به دست آوردن و رسیدن به اهداف اجتماعی خاص خود هستند. بنابراین تلفیق دانش و توانایی‌های علمی و تجربی و توانایی‌های اجتماعی می‌تواند در دستیابی افراد به اهدافشان موثر باشد (خالق‌خواه، نجفی و حسینی، ۱۳۹۸). هوش اجتماعی جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط بین تعقل و احساسات است. این که بتوان نگاه واقع‌بینانه‌ای نسبت به ماهیت انسان داشت، نشان می‌دهد که انسان نه منطقی صرف است و نه عاطفه صرف بلکه ترکیبی از هر دو است (فرانکوسکی^۷، ۲۰۰۶). افرادی که هوش اجتماعی بالایی دارند در موقعیت‌های حساس و بحرانی احساس کارآمدی بالاتر دارند چون تعادل بین احساس و تعقل را پیدا می‌کنند. این توانایی فرد را قادر به سازگاری و چالش در زندگی می‌کند. از جانب دیگر هوش اجتماعی را می‌توان قابلیت بالای درک، ارزیابی و بیان دقیق عواطف، بکارگیری عواطف برای تصمیم‌گیری، درک عواطف و دانش عاطفی، و تنظیم عواطف جهت افزایش رشد عاطفی و فکری تعریف کرد (یوسف و احمد^۸، ۲۰۰۷). هوش اجتماعی با داشتن مولفه‌هایی مثل دیدگاه‌گیری می‌تواند موقعیت‌های بحرانی می‌تواند باعث بهبود حل مساله اجتماعی در مناطق بحرانی شود (قیم، ۱۳۹۹).

حل مساله اجتماعی نوعی سازه شناختی رفتاری است که شامل جهت‌گیری مسئله و سبک‌های حل مسئله است. منظور از جهت‌گیری مسئله، ارزیابی‌ها، احساسات و باورهای عمومی فرد در مورد توانمندی‌اش جهت مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا است که می‌تواند به دو صورت جهت‌یابی مثبت مسئله^۹ و جهت‌یابی منفی مساله^{۱۰} باشد (قبادی، حبیبی کلپیر، فرید و مصر آبادی،

1. Loftin
2. Barry
3. Delić
4. Novak
5. Kovačić
6. Avsec
7. Frankovsky
8. Yousuf & Ahmad
9. positive Orientation problem
10. negative Orientation problem

۱۴۰۰). حل مسئله اجتماعی، یک راهبرد کلی است که افراد به وسیله آن برای موقعیت‌های چالش برانگیز راه حل‌های مقابله‌ای مؤثر پیدا می‌کنند. حل مسئله اجتماعی برای سازگاری روان شناختی بسیار اهمیت دارد. وقتی توانایی حل مسئله اجتماعی پایین باشد، فرد دچار اختلالاتی مثل اضطراب و افسردگی می‌شود و اگر زیاد باشد باعث افزایش احساس خودکارآمدی می‌شود (چنگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). که این خود باعث افزایش توانایی فرد در حل مساله اجتماعی می‌شود. بنابراین حل مسئله اجتماعی می‌تواند به عنوان شاخصی از کفایت فردی و نشانه‌ای از کیفیت زندگی و سلامت روانی در تعاملات بین فردی مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر افزایش توانایی حل مسئله اجتماعی، راهبرد مقابله‌ای مهمی است که می‌تواند فرد را قادر سازد، موقعیت‌های مشکل‌آفرین روزمره و تأثیر هیجانی آن‌ها را به خوبی کنترل کند و از این طریق تنیدگی روان‌شناختی را کاهش دهد، به حداقل رساند و یا پیشگیری نماید (رحمتی، هوشمندی، موسوی انزهایی و دهاقین، ۱۳۹۹). حل مسئله اجتماعی فرایندی است شناختی رفتاری که به وسیله آن فرد می‌کوشد راه حل مناسبی را برای یک موقعیت استرس‌زا پیدا کند. حل مساله اجتماعی یک فرایند چند بعدی تعاملی است که از دو مؤلفه اصلی نسبتاً مستقل تشکیل شده که عبارتند از: الف) جهت‌گیری مشکل و ب) شیوه‌های حل مساله. جهت‌گیری نسبت به مساله، یک فرایند انگیزشی است که در سطح خودآگاه فرد را برای حل مساله استرس‌زا بر می‌انگیزاند و توانایی‌های فرد را برای مقابله مؤثر با مشکل که شناخت مشکل و حل موفقیت‌آمیز آن را در بر می‌گیرد، بر می‌انگیزاند. افرادی که توانایی حل مساله اجتماعی بالایی دارند، معتقدند می‌توانند مسایل اجتماعی مثل بی‌سازمانی اجتماعی و هرج و مرج‌ها را تغییر دهند. با توجه به این که در شرایط بحرانی مثل بلایای طبیعی بی‌سازمانی زیاد به چشم می‌خورد، توانایی حل مساله اجتماعی بالا می‌تواند یک عامل تأثیرگذار بر فرایند مدیریت و یاری‌رسانی باشد (زانگ^۲، وو^۳ و اسلینگ^۴، ۲۰۲۰). در موقعیت‌های بحرانی این توانمندی می‌تواند باعث بهبود عملکرد افراد گردد زیرا فرد قادر است ارزیابی درستی از موقعیت‌های بحرانی کند. حل مساله اجتماعی به عنوان شاخصی از کارآمدی فردی می‌تواند نشان‌دهنده کیفیت زندگی در تعاملات بین فردی باشد. حل مساله اجتماعی، یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده‌ی روان‌رنجوری است، مطالعات انجام شده در این حوزه، اغلب متغیر حل مساله‌ی اجتماعی را در ارتباط با اختلال‌های محور یک، -DSM V مورد بررسی قرار داده‌اند. از سوی دیگر شواهد نشان می‌دهد که تغییرپذیری سطح رفتار اجتماعی افراد می‌تواند با میزان ادراک خطر^۵ آنها ارتباط داشته باشد. پدیده ادراک خطر یک پدیده تفسیری و انتخابی است. البته انتخابی بودن لزوماً به معنای خود آگاه و هشیارانه بودن نیست،

1. Chang
2. Zhang
3. Wu
4. Slensnick
5. risk perception

یعنی ممکن است پیش از آنکه هر فرد به تفسیر دریافت‌های خود بپردازد، به گونه‌ای ناخودآگاه و بر پایه عقاید و نگرش‌های قبلی، انتخاب خود را انجام دهد (بشرپور، جعفرتبار، نریمانی و مساح، ۱۳۹۲). پایه و اساس ادراک خطر نیز به نحوه پردازش سه جنبه زیر مرتبط است: (۱) عامل ارزش؛ اشاره به بار تشویقی و تنبیهی هر رفتار دارد. (۲) عامل زمان که اشاره به زمان ارائه یک پاداش یا تنبیه بعد از انتخاب رفتارهای گوناگون دارد و (۳) عامل احتمالات که اشاره به قطعیت یا عدم قطعیت همراهی رفتار انتخاب شده با درجاتی از پاداش و تنبیه دارد (بشرپور، ۱۳۹۴).

امروزه نقش نیروهای داوطلبی در امدادسانی به آسیب دیدگان بلایای طبیعی بیش از پیش مشخص و مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، بخشی از تلاش سازمان‌های امدادسانی به شناسایی، جذب و آموزش نیروهای داوطلب امداد و نجات معطوف شده است. آن چه در این زمینه حائز اهمیت است، شناسایی عواملی است که احتمال گرایش افراد را به نهادهای داوطلبانه خدمات امدادی بیشتر می‌کند؛ این امر به مسئولان ذیربط در جهت شناسایی، گزینش و گمارش هر چه بهتر و دقیق‌تر نیروهای داوطلب کمک می‌کند. رفتارهای یاری‌رسانی از جمله ویژگی‌های نیروهای امدادی و داوطلب است که کمتر به آن پرداخته شده است. اگر چه از اواسط دهه ۱۹۶۰ مطالعات و بررسی‌های گسترده‌ای در مورد یاری‌رسانی و بی‌تفاوتی در روابط اجتماعی انجام شده، اما انجام چنین مطالعاتی در ایران چندان مورد توجه نبوده و اطلاعات چندانی در رابطه با این سازه در ایران وجود ندارد. لذا با توجه به خلاء پژوهشی موجود و با توجه به اهمیت این رفتار در هنگام بروز بلایای طبیعی، پژوهشی که بتواند به یک مدل پیش‌بینی‌کننده رفتارهای یاری‌رسان بر مبنای ویژگی‌های فردی امدادگران و داوطلبین ارائه دهد انجام نگرفته است لذا هدف از اجرای پژوهش حاضر پیش‌بینی رفتارهای یاری‌رسان بر اساس متغیرهای ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسأله اجتماعی با توجه به نقش میانجی‌گر هوش اجتماعی است.

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. که متغیرها مرتبط با شکل‌گیری یاری‌رسانی در قالب یک مدل مفهومی با روش معادلات ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل افراد کمک‌رسان در سیل سال ۱۳۹۸ خوزستان بود. روش و طرح نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. شهر خوزستان به ۵ منطقه جغرافیایی شامل شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. سپس از هر منطقه یک منطقه سیل زده به صورت تصادفی انتخاب شد و در هر منطقه، دو کمپ اسکان سیل زدگان به صورت تصادفی انتخاب و به آن مراجعه شد. تعداد نمونه پژوهش حاضر بر اساس فرمول محاسبه حجم نمونه جامعه غیر تعریف شده کوکران، ۳۸۴ نفر محاسبه شد که جهت جلوگیری از ریزش حجم نمونه ۴۰۰ پرسشنامه توزیع و در نهایت ۳۸۷ پرسشنامه تکمیل شده وارد فرایند تحلیل شد. ملاک‌های ورود به پژوهش

شامل: دامنه سنی بین ۲۰ تا ۶۰ سال برای زنان و مردان، دارا بودن حداقل سواد خواندن و نوشتن و تمایل و رضایت آگاهانه به شرکت در طرح پژوهش بود. همچنین ملاک‌های خروج شامل: ابتلا به یکی از بیماری‌های شدید جسمانی و یا ناراحتی شدید روانی متاثر از شرایط محیطی و عدم تمایل به ادامه همکاری بود.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه رفتار یاری رسانی^۱: در این پژوهش به منظور ارزیابی رفتار یاری رسانی آزمودنی‌ها و با مرور پیشینه پژوهشی یک پرسش نامه کاغذ-معدادی رفتار یاری رسانی که توسط درخشنده نیا و نوری (۱۳۸۴) تدوین شده است، مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ۳۸ سوال بود و در هر سوال به رفتارهای عینی و عملی از یاری رسانی در زندگی روزمره و یا در شرایط بحرانی اشاره شده است. پاسخ دهی به پرسش نامه رفتار یاری رسانی به صورت بلی، خیر و تا حدودی بود. پاسخ بله نمره (۲)، تا حدی (۱) و پاسخ خیر نمره (۰) تعلق می‌گیرد. نمره هر سوال از (۰) تا (۲) قابل تغییر است. حداقل نمره که از این پرسش نامه کسب می‌شود (۰) و حداکثر (۷۶) است. مجموع نمره این پرسش نامه نشان دهنده نمره فرد در رفتار یاری رسانی است. این محققین، ضریب روایی همزمان این پرسشنامه را ۰/۳۳۱ گزارش کردند. همچنین پایایی این ابزار را به شیوه آلفای کرونباخ^۲ ۰/۸۱۴ گزار کردند.

ب) پرسشنامه ادراک ریسک بین تین^۳ (۱۹۹۳): این آزمون دارای هفت گویه می‌باشد که به صورت مقیاس لیکرت از کاملاً موافقم (نمره ۱) تا کاملاً مخالفم (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. ضریب پایایی این پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ محاسبه شده است. زارع و عرب شیبانی (۱۳۹۰) ضریب روایی محتوایی این پرسشنامه را تأیید کرده‌اند. ناظمی و صفاری نیا (۱۳۹۴) ضریب آلفای محاسبه شده برای این پرسشنامه را ۰/۷۱ گزارش نمودند.

پرسشنامه تجدید نظر شده حل مسئله اجتماعی (SPSI-R): فرم کوتاه پرسشنامه تجدیدنظر شده حل مسئله اجتماعی (SPSI-R؛ دزوریلا و همکاران، ۲۰۰۳)، یک ابزار خود گزارشی از نوع لیکرت و دارای ۲۵ سوال بوده که پنج خرده مقیاس خرده مقیاس می‌باشد که دو مقیاس جهت گیری مثبت به مسئله (PPO) و حل مسئله منطقی (RPS) به عنوان خرده مقیاس حل مسئله سازنده، در نظر گرفته می‌شوند و به صورت مثبت نیز نمره گذاری می‌شوند. اما دیگر مقیاس‌ها که شامل سبک تکانشی/ بی احتیاط (ICS)، سبک اجتنابی (AS) و جهت گیری منفی به مسئله (NPO) هستند، خرده مقیاس‌های حل مسئله ناکارآمد را تشکیل می‌دهند، که به صورت

1. helping behavior questioner

2. Kronbukh alpha

3. ben ten Risk Perception Questionnaire

منفی (معکوس) نیز نمره گذاری می‌شوند. بنابراین بر اساس این ابزار توانایی حل مسئله اجتماعی «خوب» توسط نمرات بالا در PPO، RPS و نمرات پایین در NPO، ICS و AS مشخص می‌شود در حالیکه توانایی حل مسئله اجتماعی «ضعیف» توسط نمرات پایین در PPO و RPS و نمرات بالا در NPO، ICS و AS مشخص می‌شود. پایایی آزمون مجدد برای این پرسشنامه بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۱ و ضریب آلفای آن بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (دزوریلا و همکاران، ۲۰۰۳). روایی سازه این پرسشنامه نیز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و همبستگی با دیگر مقیاس‌های حل مسئله و سازه‌های روان‌شناختی همپوش، مورد تایید قرار گرفته است (دزوریلا و همکاران، ۲۰۰۴). در ایران مخبری، درتاج و دره کردی (۱۳۸۹)، ضریب آلفای ۰/۸۵ را برای پنج عامل سنجیده شده و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۸ را برای پرسشنامه حل مسئله اجتماعی کوتاه شده بدست آوردند. همچنین در این تحقیق بررسی ساختار عاملی بیانگر وجود پنج عامل اشاره شده در بالا می‌باشد. همه تحلیل‌های روایی، SPSI را به عنوان یک مقیاس حل مسئله اجتماعی تایید کرده است (به نقل از مخبری و همکاران، ۱۳۹۰).

ج) مقیاس هوش اجتماعی ترومسو: این پرسشنامه توسط سیلورا^۱، مارتین یوسن^۲ و داهل^۴ (۲۰۰۱) تهیه شده است، که سه حوزه هوش اجتماعی یعنی پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی را می‌سنجد. این پرسشنامه از ۲۱ گویه تشکیل شده است و در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود تا عقاید خودشان درباره هر گویه را بر روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای مشخص کنند. در سوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۹ برای گزینه کاملاً مخالفم، مخالفم، تا حدودی مخالفم، نظری ندارم، تا حدودی موافقم، موافقم و کاملاً موافقم به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ منظور شده است و بقیه گویه‌ها به صورت برعکس نمره گذاری می‌شود. به این ترتیب حداقل نمره کل گویه‌های این ابزار برابر ۲۱ و حداکثر نمره آن برابر ۱۴۷ می‌باشد. در پژوهش رضایی ضریب پایایی آلفای کرانباخ برای کل مقیاس ۰/۷۵ و برای خرده‌مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب برابر ۰/۷۳، ۰/۶۶ و ۰/۶۴ به دست آمد. همچنین ضریب پایایی بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب برابر ۰/۷۶، ۰/۸۶ و ۰/۶۶ بود.

1. Tromso
2. Silvera
3. Martinssen
4. Dahl

یافته‌ها

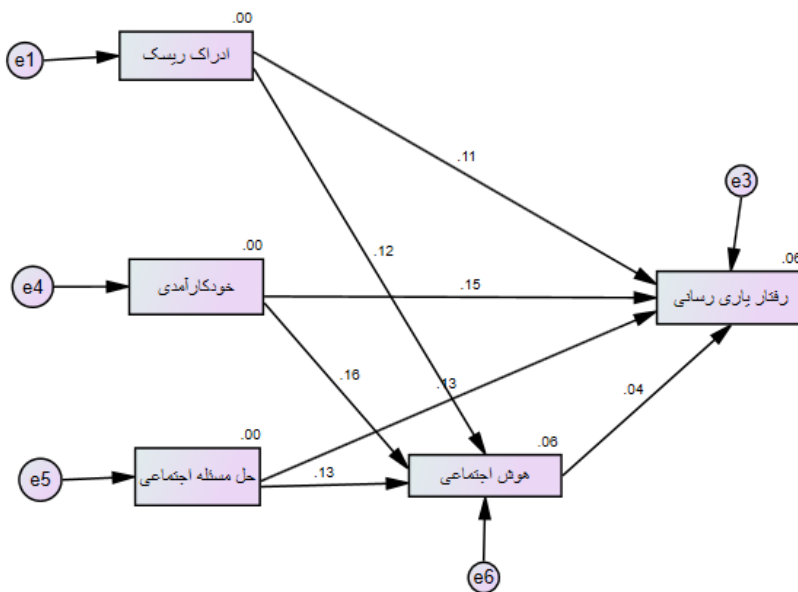
نتایج بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که ۶۱ درصد (۲۳۶ نفر) افراد شرکت‌کننده در پژوهش را مردان و ۳۹ درصد (۱۵۱ نفر) را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین و انحراف استاندارد سن امدادگران و داوطلبین به ترتیب برابر با ۴۰/۳۸ و ۱۲/۲۰ می‌باشد. از نظر وضعیت تحصیلات، ۳۶٪/۴ افراد شرکت‌کننده دیپلم و پایینتر، ۴۰٪/۳ دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی و ۲۳٪/۳ دارای تحصیلات تکمیلی می‌باشند.

جدول ۱. داده‌های توصیفی

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	نرمالیتی	
					آماره	درجه معنی داری
ادراک ریسک	۹	۳۴	۲۱/۳۴۵	۴/۵۳۹	۰/۰۴۹	۳۷۱
خودکارآمدی	۱۹	۷۵	۴۸/۹۴۶	۹/۵۱۳	۰/۰۴۳	۳۷۱
حل مسئله اجتماعی	۴۵	۱۱۱	۷۵/۴۶۶	۱۱/۰۸۲	۰/۰۴۶	۳۷۱
هوش اجتماعی	۵۴	۱۱۲	۸۱/۵۱۵	۱۱/۶۳۷	۰/۰۳۹	۳۷۱
یاری‌رسانی	۱۷	۶۰	۴۰/۰۲۴	۷/۲۲۴	۰/۰۴۵	۳۷۱

داده‌های توصیفی نشان دهنده این است که بیشترین میانگین برای هوش اجتماعی و ۸۱/۵۱۵ و کمترین برای ادراک ریسک ۲۱/۳۴۵ می‌باشد.

مدل پیش‌بینی رفتارهای یاری رسان بر اساس متغیرهای ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با توجه به متغیرهای میانجی هوش اجتماعی از برازش مطلوبی برخوردار است. برای بررسی نقش میانجی هوش اجتماعی در رابطه متغیرهای ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با رفتارهای یاری رسان بر از روش مسیر استفاده شده است. مدل پیشنهادی برازش شده در شکل ۳-۴ نشان داده شده است. در این مدل ضرایب رگرسیونی در بالای پیکان‌ها و مقادیر خطا با نماد e آورده شده است.



شکل ۱. مدل اولیه ترسیم شده برآزش شده

با توجه به شکل شماره ۳-۴ و مدل ساختاری پیشنهادی برآزش شده بیان می‌شود که ضرایب رگرسیون میزان تاثیر خشونت خانوادگی بر راهبردهای منفی تنظیم هیجان $0/69$ ، تاثیر خشونت خانوادگی بر رفتارهای خود آسیب رسان $0/27$ و تاثیر راهبردهای منفی تنظیم هیجان بر رفتارهای خود آسیب‌رسان $0/31$ است ($p < 0/01$).

جدول ۲. ضرایب کل، مستقیم و غیر مستقیم استاندارد شده

مسیرهای رگرسیونی	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم
حل مسئله اجتماعی «-» هوش اجتماعی	$0/132$	$0/126$	---
حل مسئله اجتماعی «-» یاری‌رسانی	$0/132$	$0/126$	$0/006$
خودکارآمدی «-» هوش اجتماعی	$0/161$	$0/161$	---
خودکارآمدی «-» یاری‌رسانی	$0/161$	$0/154$	$0/007$
ادراک ریسک «-» هوش اجتماعی	$0/119$	$0/119$	---
ادراک ریسک «-» یاری‌رسانی	$0/117$	$0/112$	$0/005$
هوش اجتماعی «-» یاری‌رسانی	$0/044$	$0/044$	---

با توجه به جدول ۴-۱۰ ضریب اثر غیر مستقیم حل مسئله اجتماعی - «یاری رسانی ۰/۰۰۶، خودکارآمدی - «یاری رسانی ۰/۰۰۷ و ادراک ریسک - «یاری رسانی ۰/۰۰۵ برآورد گردید. لیکن جهت بررسی برازش مدل و تایید نقش متغیر میانجی در ادامه به بررسی نیکویی برازش مدل و بوت استرپ مسیر غیر مستقیم خشونت خانوادگی بر رفتارهای خود آسیب رسان پرداخته شده است.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ترسیمی نهایی

شاخص برازندگی	GFI	AGFI	TLI	IFI	NFI	CFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۰/۹۹۶	۰/۹۷۹	۰/۹۳۲	۰/۹۸۲	۰/۹۲۵	۰/۹۷۹	۰/۰۲۸

با توجه به جدول ۴-۱۱ تمام شاخص‌های برازش مطلق و نسبی در سطح بسیار خوب و نزدیک و بالاتر از ۰/۹۰ قرار گرفته است. همچنین شاخص برازش مطلق RMSEA برابر با ۰/۰۲۸ است. بنابراین مدل مورد برازش از برازش خوبی برخوردار است. همچنین مقدار کای اسکوئر به دست آمده برای این مدل برابر با ۱/۲۸۴ است که در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بوده است. در جدول ۴-۱۲ به بررسی نتایج حاصل از روابط واسطه‌های با استفاده از روش بوت استرپ^۱ پرداخته شد.

جدول ۴. بوت استرپ مسیر واسطه‌ای اعتبار برند

مسیر	بوت استرپ	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا	معنی داری
حل مسئله اجتماعی - «یاری رسانی	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۴	۰/۴۳۴
خودکارآمدی - «یاری رسانی	۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۹	۰/۴۰۷
ادراک ریسک - «یاری رسانی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	-۰/۰۱۰	۰/۰۳۰	۰/۴۲۹

با توجه به جدول ۴-۱۱ فاصله‌های اطمینان برای مسیر حل مسئله اجتماعی - «یاری رسانی از ۰/۰۰۳- تا ۰/۰۱۴، خودکارآمدی - «یاری رسانی از ۰/۰۰۶- تا ۰/۰۱۹ و ادراک ریسک - «یاری رسانی ۰/۰۱۰- و ۰/۰۳۰ است که حاکی از قرار گرفتن صفر در این فاصله است. این نتیجه به تایید مسیر غیر مستقیم مسئولیت پذیری اجتماعی در رابطه حل مسئله اجتماعی، خودکارآمدی و ادراک ریسک با یاری رسانی نمی انجامد ($p > ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه‌گیری

مدل پیش‌بینی رفتارهای یاری‌رسان بر اساس متغیرهای ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با توجه به متغیرهای میانجی هوش اجتماعی از برآزش مطلوبی برخوردار است. نتایج حاصل از ضرایب غیر مستقیم در تحلیل مسیر نشان داد که هوش اجتماعی نمی‌تواند نقش میانجی‌گر را در رابطه بین سه متغیر ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با رفتارهای یاری‌رسانی ایفا نماید ($p > 0.05$) و تنها ضرایب مستقیم ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با رفتارهای یاری‌رسانی مورد تایید قرار گرفت ($P < 0.05$).

رفتارهای یاری‌رسان تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد که از آن جمله می‌توان به ادراک خطر اشاره کرد. ادراک خطر یعنی قضاوت ذهنی که انسان‌ها در مورد ویژگی‌ها و شدت خطر دارند و مفهوم مهمی در مبحث خطرپذیری است. قضاوت‌های ما در مورد خطرها، یا پیش‌بینی میزان آن تحت تاثیر عوامل بیرونی و درونی است. یک عامل مهم این است که با یک خطر چقدر آشنا هستیم. اگر فکر کنیم که یک موقعیت خطرناک را به خوبی می‌شناسیم چون تا اکنون چندین بار با آن مواجه شده ایم، میزان خطر را پایین‌تر ارزیابی می‌کنیم و برعکس (روزنبوم، شاهار، ال‌هار و دنینو، ۲۰۰۸). منظور از ادراک خطر در بلاای طبیعی، قدرت شناسایی، چگونگی اجتناب، مواجهه و پاسخ به خطرها در زمان وقوع بلا است. افرادی که مثلاً در سازمان‌های یاری‌رسان مثل صلیب سرخ هستند، به دلیل مواجهه مکرر با خطرات، قدرت خطر را پایین‌تر ارزیابی می‌کنند و همین به آنها در حفظ خونسردی و توانایی بیشتر برای ادارک خطر کمک می‌کند. از سوی دیگر ادراک خطر بالا می‌تواند باعث کاهش احساس کارآمدی در فرد شود یعنی افراد در موقعیت‌های مختلف اگر ادراک بالایی از خطر داشته باشند، عملکرد ضعیف‌تری خواهند داشت. چون اعتقادات خودکارآمدی ممکن است بر اساس برخی از عوامل مانند ارزیابی توانایی‌های کنونی، سختی درک شده فعالیت، میزان تلاش مورد نیاز، میزان حمایت دریافتی، دستاوردهای گذشته و الگوهای موفقیت یا شکست تغییر کند (کربلایی و کرمی، ۱۳۹۸). با وجود این افراد دارای ادارک خطر بالا اگر هوش اجتماعی خوبی داشته باشند که بتوانند عملکرد مطلوب را در موقعیت‌های اجتماعی به خوبی پیش‌بینی کنند، عملکرد مطلوب‌تری دارند تا زمانی که آنها قادر به پیش‌بینی موقعیت و عملکردهای مناسب نباشند یا خطر را بیش از حد برآورد کنند. افراد دارای هوش هیجانی پایین از سازگاری پایینی برخوردارند، زیرا هوش هیجانی با به کارگیری مهارت‌های ارتباطی مثل همدلی به بهبود روابط فرد و سازمان دهی محیطی می‌پردازند. هوش اجتماعی در تعامل با حل مساله اجتماعی و ادارک خطر باعث بهبود توانایی‌های فرد در موقعیت‌های بحرانی می‌شوند. هر نوع هوشی قادر به ایجاد سازگاری با محیط است و هوش اجتماعی توانایی سازگاری با محیط اجتماعی را ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر، حل مسئله اجتماعی، یک راهبرد کلی است که افراد به واسطه آن برای موقعیت‌های چالش برانگیز پاسخ‌های مقابله‌ای کارآمد پیدا می‌کنند. حل مسئله اجتماعی برای سازگاری روان شناختی و اجتماعی بسیار مهم است، زیرا در گستره موقعیت‌های تنش‌زا، بر کارکرد انطباقی و عملکرد سازگاران‌های تأثیر می‌گذارد. حل مسئله اجتماعی فرایندی شناختی، هیجانی و رفتاری است که شخص قصد دارد برای مشکلاتی که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شود، راه-حل‌های موثر یا سازگاران‌ها کشف می‌کند. طبق این تعریف حل مسئله یک فعالیت هوشمند، عقلانی و هدفمند است. توانایی حل مسئله با احساس شایستگی اجتماعی، سلامت عمومی و همین‌طور با انطباق پذیری، سازگاری و حل مشکلات استرس‌زا (که رابطه قوی با عملکرد شخصی و اجتماعی دارد) ارتباط دارد.

هوش اجتماعی و حل مسئله اجتماعی بالا با افزایش خودکارآمدی می‌تواند باعث بهبود عملکرد فرد در موقعیت‌های پرخطر شود. خودکارآمدی بالا می‌تواند در کاهش ادراک خطر نقش داشته باشد. در کل وجود متغیرهایی مثل احساس توانمندی می‌تواند تحت تأثیر هوش اجتماعی فرد بر رفتارهای یاری رسان و کیفیت آن اثرگذار باشد. برای بهبود رفتارهای یاری رسان پیشنهاد می‌شود که مهارت‌هایی که باعث افزایش عملکرد افراد در موقعیت‌های پرخطر می‌شود، به گروه‌های یاری رسان آموزش داده شود.

منابع

- بشرپور، سجاد (۱۳۹۴). الگوی روابط ساختاری ویژگی‌های انحرافی شخصیت، ادراک خطر و انگیزش درمان در افراد وابسته به مواد: نقش میانجی ادراک خطر. *اعتیاد پژوهی*، ۳۵، ۹۹ - ۱۱۸.
- بهفروز، فهیمه. (۱۳۹۶). محوریت همدلی در مهارت اجتماعی. تهران: نشر نونهالان.
- بیرهوف، هانس ورنر. (۱۳۹۲). رفتارهای اجتماعی مطلوب: تحلیل انواع رفتارهای اجتماعی از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه رضوان صدقی‌نژاد، تهران: نشر گل آذین.
- خالق خواه، علی؛ نجفی، حبیبه و حسینی، سیده راحله. (۱۳۹۸). بررسی نقش هوش فرهنگی و هوش اجتماعی بر سبک تصمیم‌گیری کارکنان دولت. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۳۴ (۹)، ۸۳-۱۰۲.
- خوشنویس، الهه، افروز، غلامعلی و اسماعیلی، علیرضا. (۱۳۹۳). تعیین سهم ادراک خطر بر اساس ویژگی‌های شخصیتی در رانندگان خطر آفرین. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، شماره ۲ (۳۰)، ۸۴-۷۱.

- رحمتی، صمد؛ هوشمند، رودابه؛ موسوی انزهایی، آرزوسادات و دهاقین، وحیده. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر تحمل‌پریشانی و حل مسئله اجتماعی نوجوانان بزهکار. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۳۷ (۱۰)، ۴۵-۶۴.
- رضایی اکبر، خلیل زاده احد (۱۳۸۸). رابطه بین هوش اجتماعی مدیران با رضایت شغلی معلمان مدارس. آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۲(۷): ۱۲۱-۱۴۵.
- زارع، حسین؛ اعراب شیبانی خ. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری در دانشجویان ایرانی. دو فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۲۸): ۱۱۲.
- سجادی نژاد مس، رنجبر کهن. (۱۳۹۰). رفتار مطلوب اجتماعی. فصلنامه توسعه علوم و فناوری، ۱(۱): ۲۳-۱۵.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۸). روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش (ویرایش پنجم). تهران انتشارات آگاه.
- قبادی، لیلا؛ حبیبی کلیر، رامین؛ فرید، ابوالفضل و مصرآبادی، جواد. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش هوش موفق بر حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۴۲، ۹۳-۱۰۰.
- قیم، نجمه (۱۳۹۹). بررسی پدیدار شناختی پدیده همدلی به روش کیفی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- کربلایی، محبوبه و کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۸). پیش‌بینی خودکارآمدی بر اساس تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک شده و طرحواره‌های نقش جنسیتی زنان. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۳۶ (۹)، ۷۳-۸۸.
- مخبری، عادل؛ درتاج، فریبا؛ دره کردی، علی (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل مسأله اجتماعی. اندازہ گیری تربیتی، ۱(۴): ۵۵-۷۷.
- معینیان، علیرضا؛ رحیمی، محمد مهدی؛ احمدی، فخرالدین؛ پیوندی، رضا. (۱۳۹۸). بررسی بلایای طبیعی از نگاه حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱(۱۲): ۴۵۷-۴۷۵.
- ناظمی، فاطمه؛ صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک‌های تصمیم‌گیری و ادراک ریسک با رفتارهای کارآفرینانه در بین مدیران فرهنگی، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴(۴): ۸۹-۱۱۷.
- یزدان‌پناه، لیلا؛ حکمت، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۸(۲): ۱۵۲-۱۲۸.
- Chang, E. C., Tian, W., Jiang, X., Yi, S., Liub, J., Bai, Y., Liu, C., Luo, X., Wang, W., Chang, O. D., Li, M., & Hirsch, J. K. (2020). Loneliness, social problem solving, and negative affective symptoms: Negative problem

- orientation as a key mechanism, *Personality and Individual Differences*, 167, 10-17.
- Delič, L., Novak, P., Kovačič, J., & Avsec, A. (2011). Self-reported emotional and social intelligence and empathy as distinctive predictors of narcissism. *Psychological Topics*, 3, 477-488.
 - D'zurilla T. J., Chang, E. C., Sanna, L. J. (2003). Self-esteem and social problem solving as predictors of aggression in college students. *Journal Social Clinical Psychology*, 22(4):424-40.
 - D'Zurilla, Thomas & Nezu, Arthur & Maydeu-Olivares, Alberto. (2004). *Social Problem Solving: Theory and Assessment*.
 - Fischer, P., Krueger, J. L., Greitemeyer, T., Vogrincic, C., Kastenmuller, A., Frey, D., & Kainbacher, M. (2011). The bystander-effect: A meta-analytic review on bystander intervention in dangerous and non-dangerous emergencies. *Psychological Bulletin*, 137 (4), 681-700.
 - Lerner, R. M., Lerner, J. V., Eye, A. V., Browers, E. P., & Lewin-Bizan, S. (2011). Individual and contextual bases of thriving in adolescences: a view of the issue. *Journal of adolescences*, 34 (6), 1107-1117.
 - Li, S., Hanb, S., Wang, X., Guo, Z., Gana, Y., & Zhang, L. (2021). The influence of risk situation and attachment style on helping behavior: An attentional bias perspective. *Personality and Individual Differences*, 168, 1-8.
 - Loftin, C.D. & Barry, C. T. (2016). 'You can't sit with us:' Gender and the differential roles of social intelligence and peer status in adolescent relational aggression. *Personality and Individual Differences*, 91, 22-26.
 - Loo, C. W J., Choy, L. F. (2013). Sources of Self-Efficacy Influencing Academic Performance of Engineering Students. *American Journal of Educational Research*, 1(3):86-92. doi: 10.12691/education-1-3-4.
 - Shentu, T., Ma, J., & Gou, Y. (2018). Social attachment shapes emergency responses: evidence from a postfire study. *Social Behavior and personality. An International journal*, 46 (1), 139-150.
 - Siposova, B., Grueneisen, S., Helming, K., Tomasello, M., & Carpenter, M. (2021). Common knowledge that help is needed increases helping behavior in children, 201, 1-9.
 - Rosenbloom, T., Shaha, A., Elharar, A., & Danino, O. (2008). Risk perception of driving as a function of advanced training aimed at recognizing and handling risks in demanding driving situations. *Accident; analysis and prevention*, 40(2), 697-703.
 - Xia, M., & Wang, Y. W. (2015). The effect of empathy and situation safety on helping behavior: the moderating role of impersonal trust. *Journal of central china normal university*, 54(4), 168-176.
 - Yousuf, S., & Ahmad, I., (2007). Emotional Intelligence as Predictor of Managerial Effectiveness,
 - Zhang, J., Wu, Q., & Slensnick, N. (2020). Social Problem-Solving and Suicidal Ideation Among Homeless Youth Receiving a cognitive Therapy Intervention: A Moderated Mediation Analysis. *Behavior therapy*, elsevier .com